

میرزا علی شاہ  
بہ نام نور

@mirzaeihaa



## «دری وری» به قلم «حسین کسمایی» و یادی از میرزا کوچک خان

پژوهش و نگارش: مرتضی سخایی

جمعه: ۱۴۰۲/۶/۳

### پیشگفتار:

کمیته ستار گیلان در ۱۳ بهمن ۱۲۸۷ خورشیدی، مصادف با روز عاشورا، در جریان حضور دسته‌های عزادار در بازار رشت، دعوایی ساختگی به راه انداخت که در پی آن جوانی به نام «سید میر علی اکبر میر صمد اوغلی تبریزی» کشته شد.

مؤسسه ستار یعنی میرزا کریم خان رشتی و برادرش سردار محیی شش روز پس از این قتل مرموز، یعنی در ۱۶ محرم ۱۳۲۷ قمری مصادف با ۱۹ بهمن ماه ۱۲۸۷ خورشیدی در ظاهر به مناسب هفتم آن جوان کشته شده و در پوشش خوانخواهی از او، مرتکب قتل دیگری شدند.

آقا بالاخان سردار افخم حاکم رشت که مخالف مشروطه بود، در باغ مدیریه رشت بدست کمیته ستار کشته شد. حالا زمان مناسبی بود برای فتح تهران بدست مشروطه خواهان

گیلانی. میرزا کوچک خان جنگلی که حدود هفت سال بعد رهبری نهضت جنگل را بر عهده گرفت نیز یکی از همین گیلانی‌های مشروطه خواه بود. تهران بدست مشروطه خواهان افتاد. با کمک سردار محیی و برادرش میرزا کریم خان رشتی، روزنامه وقت در تهران دایر و تحت مدیریت «حسین کسمایی» یکی از اعضای کمیته ستار گیلان قرار گرفت.

گهگاه ستون «دری وری» بدون ذکر نام نویسنده در این روزنامه چاپ می‌شد. اما در یکی از شماره‌های آن، نامی از «میرزا کوچک خان» هم آمده که بدینوسیله، نویسنده ستون دری وری مشخص می‌گردد. او کسی نیست جزء میرزا حسین خان کسمایی، کسیکه بعدها یکی از سه مدیر مسئول روزنامه جنگل شد.<sup>۱</sup>

(ملا عمو و مدیر روزنامه وقت)، عنوان این مطلب به قلم حسین کسمایی است که در صفحه سوم روزنامه وقت (دوشنبه ۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۸ [۱۷ خرداد ماه ۱۲۸۹]) به چاپ رسیده است.

«ملا عمو» اصطلاحی عامیانه در مطالبی بود که «میرزا جلیل محمد قلی زاده» مدیر ایرانی‌الصل روزنامه ملا نصرالدین<sup>۲</sup> به قلم خود در این روزنامه منتشر می‌کرد. از همین رو «ملا عمو یا آی ملا عمو» نشریه گهگاهی سیاسی فکاهی است که بین سالهای (۸۷-۱۲۸۶ خورشیدی) میان اکثریت مشروطه‌خواهان تبریز دست به انتقاد این گروه می‌زد و مطالب نیشدار و تند و تیز و فکاهی را برای تبلیغ مشروطه‌خواهان منتشر می‌کرد. ناشر این نشریه فکاهی، انجمن اسلامی تبریز بود و مدیریت آن را «میرزا احمد کاتب»، معروف به «بصیرت» به عهده داشت. این نشریه با تثبیت قدرت به دست مشروطه‌خواهان پس از فتح تهران برای همیشه به خاموشی گرایید.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> از حسین کسمایی به عنوان متهم در قتل «آیت‌الله شیخعلی فومنی» یک مشروطه مشروعه خواه گیلانی یاد می‌شود. ر ک : کتاب گیلان در جنبش مشروطیت. ابراهیم فخرایی. ۱۰۳ و همچنین : مقاله ورقی از تاریخ مشروطه: انقلاب گیلان چگونه آغاز شد؟. نشریه یادگار. ۱۳۲۶. سال چهارم. شماره سوم. ۴۱-۵۵. «شیخعلی علم‌الهدی حلقه‌سری فومنی» یکی از اعضای هیئت اتحاد اسلام بود که تحت عنوان «شیخعلی فومنی» مکاتبه می‌نمود. شخص اخیر ارتباطی با «آیت‌الله شیخعلی فومنی» مقتول ندارد.

<sup>۲</sup> در نامه مورخه ۲۵ رجب ۱۳۲۶ قمری مصادف با ۱ شهریور ۱۲۸۷ خورشیدی و ۱۰ آگوست ۱۹۰۸ میلادی که توسط میرزا کوچک خان نوشته شده است، از «روزنامه ملا نصرالدین» به مدیر مسئولی «میرزا جلیل محمد قلی زاده» با عنوان بلند بالای «جریده فریده [بی‌مانند] یگانه وطن پرست فرزانه، ملا نصرالدین ملقب به آقا عمو» یاد شده است. ر ک : گیلک، محمدعلی. ۱۳۷۱. تاریخ انقلاب جنگل. رشت: نشر گیلکان. ص ۱۱

<sup>۳</sup> کورش نوروزمرادی/پژوهشگر تاریخ مطبوعات

ر ک: <https://jamejamonline.ir/fa/news/807129>

مراد کسمایی از «ملا عمو» اما «میرزا جلیل محمد قلی زاده» صاحب امتیاز روزنامه ملا نصرالدین است. او با ذکر خاطره‌ای از ملاقاتش با میرزا جلیل، او را «جوانی که از سیمای او آثار انسانیت و وطنپرستی پیدا بود» توصیف نموده است. اما علیرغم حب و ارادتی که کسمایی در مقدمه این مطلب نسبت به میرزا جلیل ابراز داشته، در مؤخره اما به شدت بر او تاخته است. چرا که میرزا جلیل محمد قلی زاده، میرزا حسین کسمایی را به اصطلاح امروزی یک «روزنامه نگار کپی کار» معرفی نموده است. مطلب کسمایی شامل سه بخش است. سه بخشی که از هم تفکیک نشده‌اند:

بخش اول: مقدمه، شامل، سابقه آشنایی با «میرزا جلیل محمد قلی زاده» و ذکر خاطره‌ای از سفر مشترک به همراه میرزا کوچک خان به تفلیس

بخش دوم: ترجمه یکی از مطالب روزنامه ملا نصرالدین که به مذاق کسمایی خوش نیامده! بخش سوم: پاسخ تند و بی پرده کسمایی به مطلب ملا نصرالدین.

در ادامه، عین مطلب را جهت مطالعه و بهره برداری میرزایی‌های عزیز درج می‌کنیم.

با تقدیم احترام مجدد: مرتضی سخایی

@mirzaeihaa

## دَری\_وَری<sup>۴</sup>

### (ملا عمو و مدیر روزنامه وقت)

دیروز بتلفن خانه طهران رفتم و بحاجتی که باجزا برای اصلاح تلفن داشتم پرداختم. روی میز تحریر یکی از منشی‌ها روزنامه (ملا نصرالدین) بود. چون خیلی طبعم از مفاک گویی خوشوقت میشود دستهایم بی اختیار بطرف آن روزنامه دراز شد. این روزنامه در تفلیس که مرکز قفقاز است، مدتی است طبع و نشر میشود و اغلب مردمان متوسط الحال قفقاز بلکه اغلب نقاطی که مسلمان ترک زبان در او یافت شود رغبتی به این روزنامه دارند. مدیر محترم او را هم در اوقاتی که سردار افخم مأمور رشت بود و من در تفلیس بودم و سرگذشت آن اوقاتم بی حد رقت انگیز است ملاقات کرده‌ام. جوانی است که از سیمای او آثار انسانیت و وطنپرستی پیدا بود. در آن دقیقه که روزنامه را بدست گرفتم فوراً خیالم بطرف محاصره انجمن ملی ایالتی رشت و کشته شدن چند نفر در اول استبداد صغیر رفت و **مسافرت خودمرا با یگانه مجاهد غیور آقا میرزا کوچک بتفلیس در نظر آوردم** و تفلیس به تمام وجود من کوچه‌ها و خیابانها و سایر گردشگاههای خود را مرور میداد. با کمال میل با اینکه بی کار هم نبودم ورق ملا نصرالدین را باز کردم دیدم بملا عمو از طهران (هردم خیال)<sup>۵</sup> در باب کسما و کسمایی مقاله نوشته و در آنجا شیرینکاری کرده که ما مفاد آنرا در ذیل این مقاله درج نمودیم و آن بیانات از قرار ذیل است:

چند نفر که در ایران، همیشه ایران و ایرانیان را غرق اضطراب و اغتشاش و اختلال می‌خواهند تا خود را همه روزه در پیشگاه تصورات عارف و عامی بسطی داده باشند غافل از آنکه (آنکه فیل میخرد رفت) دستی بروزنامه‌های قفقاز دارند، بمجرد اینکه در یکی از خیابانهای طهران باینان مصادف شدی و مثل بنده ذلیل سر را محازی زانو نیوردی فوراً کوکو - شش انداز میشود و بروزنامه‌های آنجا با یک راپرت یا یک مقاله دو روزی کار را مشتبه می‌کنند. ولی جای افسوس است طولی نمیکشد تفریبات و اغراض واضح میگردد. چیزیکه هست قدری از

<sup>۴</sup>. روزنامه وقت، چاپ تهران، سال اول، شماره ۵۵، دوشنبه ۲۷ جمادی الاول ۱۳۲۸ [۱۷ خرداد ماه ۱۲۸۹]، ص ۳ (به مدیریت حسین کسمایی)

<sup>۵</sup>. «میرزا جلیل محمد قلی زاده» در «روزنامه ملا نصرالدین» با امضاهای مستعار «هردم خیال»، «ده دلی»، «سرتیق»، «موزالان»، «قارین قولی»، «ملا نصرالدین» مقالاتش را می‌نگاشت. ر ک : قشمی. محسن. ۱۳۷۶. ملا نصرالدین: جلیل محمد قلی زاده. تهران: نشر ثالث. ۷

آنرا مشوب میکنند بلکه روزنامه‌های روسی و ترکی هم چون بواسطه قرب و جوار احتمال میدهند روزنامجات ترکی قفقاز از اوضاع ایران بهتر با خبر باشند عیناً همان مقالات را بقلم حق کشانه دو سه نفر خائن مخصوصاً از طهران بانجا روانه میشود نقل میکنند.

بملا عمو امر مشتبه شده در ضمن آن دلسوز خانمهای طهران عرضه داشته که کسمایی در شماره ۱۲ روزنامه وقت اصرار کرده که زنها در پس پرده خفا و بی علمی مستور بمانند الی آخر.

اگرچه در خصوص ستر و حجاب خانمها تقصیری بر ما وارد نیست، هرکه گفتگویی دارد با شارع و مقنن باید مباحثه کند.

اگر چه دینداری و کناره جویی از اشاعه منکرات را برای ما عیبی درست کرده‌اند.

اگرچه طلاق نامه را بجای عقدنامه بخرج میدهند.

اگرچه عین اقداماتی را که در تضييع شئونات وزراء و وكلاء و ايران و ایرانیان بکار بردند، اینک درباره روزنامه وقت مجری میدارند.

اگرچه با کمال بی انصافی افتتاح روزنامه وقت را از گنج شایگان آقای سردار منصور وزیر عدلیه و آقای سردار محیی قلمداد کرده‌اند و این یک دروغ بی مزه ایست که هیچ بروزنامه ما و شخص مدیر با هزاران خروار سریش نمی‌چسبد. فقط در جواب یک فراز لازم است بگوئیم:

ملا عمو اما اگر خانمهای خود را بوفق سلیقه چند نفر حشرات تازه بطهران آمده که خود را مدیر روزنامه و خبرنگار قلمداد میکنند و جز تضييع حقوق ایرانیان خیالی ندارند بیرون بیاوریم یقین بدانید دیاری در کوچه و بازار زنده نمی‌ماند و اثرش از ذو ذنب [ستاره دنباله‌دار] در صورت تصادف با زمین هزاران بار بیشتر و بدتر است. اغلب بادمجان ترشیهای

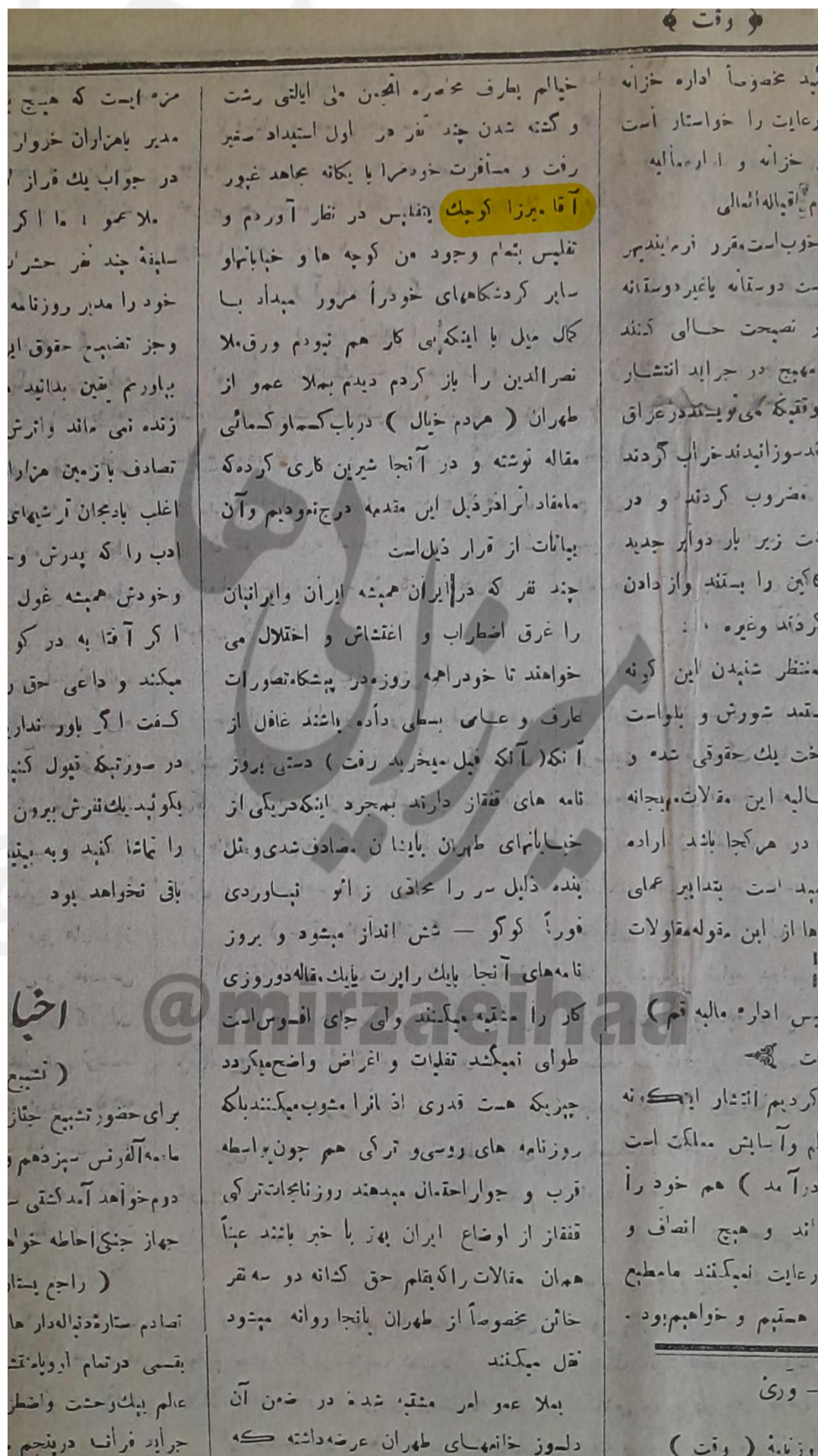
۶. کسمایی به هفته نامه «حشرات الارض» و مدیر آن یعنی «میرزا آقا بلوری» چاپ تبریز کنایه می‌زند. در سال‌های مشروطه هفته‌نامه فکاهی دیگری هم در تبریز به صورت تمام‌رنگی منتشر می‌شود، به نام حشرات الارض (۸۹- ۱۲۸۷ خورشیدی) که از نظر محتوا و مرام و مسلک و راه و روش شیوه ملانصرالدینی را در ایران پی می‌گیرد. «میرزا آقا بلوری» در تبریز پس از توقیف آذربایجان به انتشار این هفته‌نامه باکیفیت و تصاویر بهتر با مطالبی تندتر دست می‌زند.

ر ک: <https://jamejamonline.ir/fa/news/807129>

چهار گوشه بی علم و ادب را که پدرش و جدش و مادرش و جداهش و خودش همیشه غول بوده و مدرسه بسم الله.

اگر آفتابه در گوشه به بیند از ترس رم می کند و داعی حق را لبیک اجابت خواهد گفت. اگر باور ندارید مضرتها و مفسدهها را در صورتیکه قبول کنید و بما مربوط نباشد بگوئید یکنفرش بیرون بیاید تا اقدامات پروردگار را تماشا کنید و به بینید زنده و متنفسی در ایران باقی نخواهد بود.

(ابن الوقت)





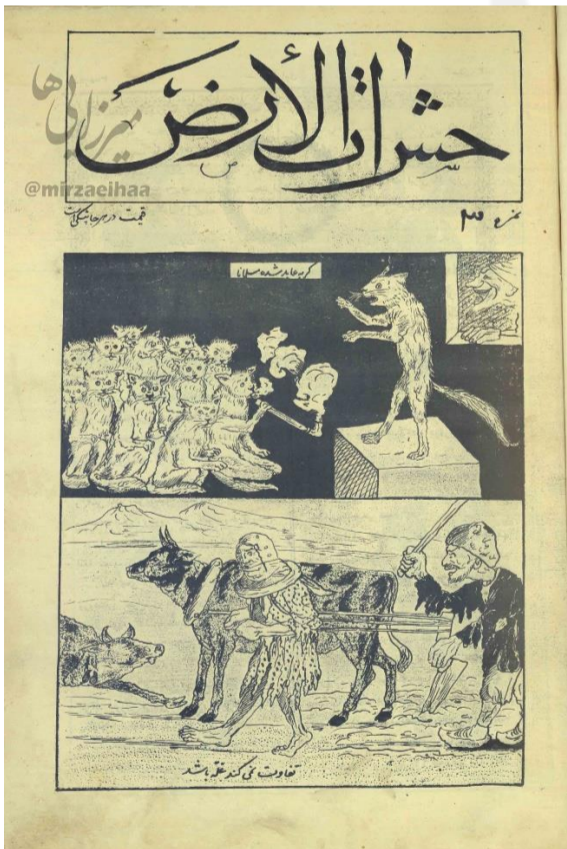
میرزا آقا بلوری



میرزا جلیل محمد قلی زاده



میرزا حسین خان کسمایی





عنوان مرا سلات  
رشت الفصح المتكلمين  
بيت اهلانات مطري يفران  
مخالات ملیده قبول  
و مندرج ميشود

قیمت اشتراك سالانه  
رشت ۱۰ فران  
سایر بلاد ۱۷ فران  
قیمت تکوک  
در همه جا سه شاهی

# الکلیله

﴿ بعد از ارسال پنج نسخه وجه اشتراك دریافت میشود هفته دو نمره طبع و توزیع میشود ﴾  
﴿ بتاريخ ( ۱۸ ) شهر ذی قعدة الحرام ۱۳۲۷ ﴾

استنطاق و ثبوت شرعی  
بقصاص رسانند کتون  
روح این جوان دراعلی  
غرف جان نتیجه زحمت  
خود را می بیند و از روی  
تعجب نگاه میکند بر این  
اعراض شخصی که ماها  
در سر میدان وطن می  
فروشم و مفتح می شرفی  
و ناچوانمردی میخریم  
تا قیامت عبرت او بر این  
نظاره محو نخواهد شد



این جوان شهید مرحوم  
جنت مکین میرعلی اکبر  
تبریزی فدائی وطن شهید  
مشروطیت عاشق عدالت  
پایک جهان قوت قلب در راه  
حریت میگوید زحمت  
و خدمات او مشهود همه است  
در روز عاشورا در میان دسته  
سینه زن بود که سعید شاطر  
بامریالاخان سردار افخم  
این جوان شجاع را شهید  
نمود تلافی خون این جوان  
در روز ۱۶ محرم حاصل  
آمد سعید شاطرا پس از

فدائت کشته شهید میرعلی اکبر میرصمد اوغلی تبریزی  
(۱۰ محرم ۱۳۲۷)



آقا بالاخان سردار افخم، حاکم ضد مشروطه رشت.  
کشته شده بدست کمیته ستار گیلان در ۱۶  
محرم الحرام ۱۳۲۷ قمری مصادف به ۱۹ بهمن  
ماه ۱۲۸۷ خورشیدی

«سید میر علی اکبر میر صمد اوغلی تبریزی» سر دسته  
عزاداران تبریزی بازار رشت که در ۱۰ محرم الحرام ۱۳۲۷  
قمری مصادف با ۱۳ بهمن ۱۲۸۷ خورشیدی در یک دعوای  
ساختگی به طرز مشکوکی کشته شد.

آغاز نهفت ۱۱/

دارا باقیم برقرار است با این حال به اعلام چون مردان پشت  
خیمه زانان سالخورده در نهایی شب از خواب غفلت بیدار شده  
دست کزده پارس صاحبان حضرت رسالت را با دوازده هزار و از آنها  
بخرامیه که بیستایان می دانند با این رخ کشته با خود گروه مرده و جز  
آنان باقیم اگر خرافه دینی گروه مرده و اسب مسوق باشد  
چند یوم دیگر رجوع به «جریده فریده یگانه و نهفت فرزان»  
مختصر کتابی تلفظ به آقا صمد اوغلی در آنجا آقا میرزا حسین  
خان کسائی راه دانش داده و گروه مرده را بخوبی تشریح کرده  
است.

فانی آنگشتان که طریق تو میروند  
زلف و زبانه را روش کجک آرزوست  
باری از مطلب دور تو بریم مخلصه فوت نکرد تا مردم ما را  
گروه مرده داشتند تا جوانان با قوت تبریز نگین ما گیلان بسیار  
پر همت بودند تا هدایای باغ و بوستان لریا در هر باغ و چمن  
در هر صوم و بریزند سرزند که آریشان بی طمعت این گریزها را  
ساخته عادت افتاد به افکاس طریقین طوغم گروه بی باعداء  
فران تمام مسلک را به هسایگان فرست و ایرانه هوان حلیه  
سرت و آزادی را در بازار غلق و شقاق در هر طرف معده به بیع  
در آرزوی پس معنی رفیع آفتاب چندان خود را درست باز کرده  
بیتیم غیر از دعا کردن علاج داریم با هنوز یاد نشده و دعا کنیم  
ظاهر آن قدم درج نکردیم از غم کوهی غاشته و غاریم  
از حرف زده و نصیحت نکردیم در معافه بیورزم از اول شرح  
کردن نظر برود داشته و بر جان فدا کردن تسامح و نگاه را جایز  
نشدیم و ولی حقیقتاً ترس بلوی اشیر با چند من نگاه بهم  
انگشت آقا با پس هنوز ما را حال نیاورده است. بابی و فانی مرده را

**تاریخ انقلاب جنگل**  
(به روایت شاهدان عینی)  
تألیف: محمدعلی گیلک  
(کسیر نوایده عامه نهفت جنگل)

«جریده فریده [بی مانند] یگانه وطن پرست فرزانه» از نگاه میرزا کوچک خان کدام نشریه بود؟!  
در نامه مورخه ۲۵ رجب ۱۳۲۶ قمری مصادف با ۱ شهریور ۱۲۸۷ خورشیدی و ۱۰ آگوست ۱۹۰۸ میلادی که  
توسط میرزا کوچک خان نوشته شده است از هفته نامه «ملانصرالدین» به مدیر مسوولی «میرزا جلیل  
محمد قلی زاده» با عنوان بلند بالای «جریده فریده [بی مانند] یگانه وطن پرست فرزانه ملانصرالدین  
ملقب به آقا صمد» یاد شده است. با همدیگر شماره هایی از این نشریه که به تاریخ نامه میرزا کوچک  
خان نزدیک است را ورق می زنیم...

منبع: گیلک، محمدعلی. ۱۳۷۱. تاریخ انقلاب جنگل. رشت: نشر گیلکان. ص ۱۱